

کنفرانسهای جهانی در باره تغییرات اقلیمی

1 - افراز گاز های گلخانه ئی و تغییرات اقلیم:

افراز گاز های گلخانه ئی¹ بعد از انقلاب صنعتی در نیمه دوم قرن 18 آغاز گردید که در سراسر قرن 19 و مخصوصاً در قرن 20 سیر صعودی خود را پیمود و در آغاز قرن 21 اینک به اوجش رسیده. پیامد این افرازات نه تنها باعث افزایش حرارت اتموسفر² یا هوای زمین شد، بلکه مصائب و بلاهای متعددی را بر محیط زیست و زندگانی میلیارد ها انسان نیز وارد نمود. تغییرات اقلیمی از یک جانب باعث صعود سطح آب اوقیانوسها، ریزش بارانهای شدید، سیلابها، لغزش زمین و مصائب بسیار می شود، از جانب دگر خشک سالیهای متمادی، تخریب زمینهای زراعتی و توسعه دشتها را در قبال دارد. علاوه بر این، عواقب ناشی از تغییرات اقلیمی باعث دگرگونی اوضاع طبیعی و اقتصادی گردیده، از کشور های فقیر بیشتر قربانی گرفته و جان و مال میلیونها انسان را به خطر مواجه ساخته.

افراز کنندگان این گاز ها کشور های صنعتی اند که مقدار زیاد انرژی فوسیل³ را به مصرف می رسانند. به طور مثال در سال 2018 چین: 11256 میلیون تن؛ امریکا: 5275 میلیون تن؛ هند: 2622 میلیون تن؛ روسیه: 1748 میلیون تن و جاپان 1199 میلیون تن کاربن دای اوکساید افراز کرده اند [1]. این افرازات به ترتیب 7، 29 در صد؛ 9، 13 در صد؛ 6، 9 در صد؛ 4، 6 در صد و 1، 3 در صد مجموع افرازات کاربن دای اوکساید جهان را احتوا می کند [1]. در سال 2015 در مجموع در حدود 32300 میلیون تن کاربن دای اوکساید افراز گردیده که نیمی از آن توسط چین، امریکا و هند صورت گرفته [2]. به این ترتیب اضلاع متحده امریکا بزرگترین سهم را در تغییرات اقلیم و در نتیجه در تخریب جهان و گرسنگی مردم در کشور های فقیر داشته که در سالهای اخیر چین در این مسابقه گوی سبقت را از امریکا برده.

برای جلوگیری از مصائب بیشتر تغییرات اقلیمی، مؤسسات علمی و مراجع پژوهشی تحقیقات گسترده ای را انجام داده اند که نتایج آن برای دولتها، احزاب و نهاد ها و در یک کلام برای جامعه بشری تکان دهنده بود. ازینرو مؤسسه ملل متحد برای بار اول در سال 1995 اولین "کنفرانس تغییرات اقلیم" (*United Nations Climate Change Conference*) که به نامهای "کنفرانس سران جهان در مورد اقلیم" و یا "کنفرانس جهانی اقلیم" نیز یاد می گردد، در برلین دایر نمود. چون این موضوع بسیار مهم بود، فیصله شد تا همه ساله چنین کنفرانسهائی دایر گردد.

بیست و "پنجمین کنفرانس مؤسسه ملل متحد در مورد اقلیم" از تاریخ 2 تا 15 دسمبر سال 2019 "با اشتراک حدود 200 کشور و بیشتر از 26 هزار نفر در شهر مادرید، پایتخت اسپانیا برگزار گردیده بود. محور اصلی اجندای این کنفرانس محدود کردن افزایش متوسط حرارت اتموسفر زمین به 1،5 درجه سانتی گرید، در مقایسه با زمان پیش از انقلاب صنعتی، بود. لذا محدود کردن افرازات گاز های گلخانه ئی در کشور های صنعتی که باعث افزایش حرارت اتموسفر زمین می گردد، موضوع مرکزی این کنفرانس را تشکیل می داد.

اینک "بیست و ششمین کنفرانس مؤسسه ملل متحد در مورد اقلیم" در شهر گلاسکو در اسکاتلند به تاریخ 31 اکتوبر 2021 آغاز گردیده و تا تاریخ 12 نوامبر همین سال ادامه می یابد. در این کنفرانس سران 200 کشور جهان اشتراک کرده اند. تنها سران کشور های چین، روسیه و ایران غایب اند. صدراعظم بریتانیا از کشور های غنی جهان خواست تا با کشور های فقیر

¹ گاز های گلخانه ئی به آن گاز های اطلاق می شود که باعث ازدیاد درجه حرارت در اتموسفر زمین می گردند، مانند کاربن دای اوکساید، میتان، نایتروجن اوکساید و غیره.

² اتموسفر از دو کلمه یونانی ساخته شده که عبارت از "اتمو" یعنی بخار و غبار و "سفر" یعنی کره می باشد و به هوای اجرام سماوی اطلاق می گردد که توسط قوه جاذبه آنها حفظ می شود. در این نوشته منظور از اتموسفر تنها اتموسفر کره زمین است.

³ انرژی فوسیل به آن نوع مواد حامل انرژی اطلاق میگردد که با مصرف آنها، منابع شان به پایان میرسد، مانند نفت، گاز، زغال سنگ، یورانیم و غیره.

100 میلیارد دلار کمک کنند تا با تغییرات اقلیم مبارزه نمایند. جو بایدن رئیس جمهور آمریکا یادآوری کرد که کشورش 555 میلیارد دلار برای کاهش سوخت انرژی فوسیل که باعث افزایش گازهای گلخانه‌ای می‌گردد، تخصیص داده. صدراعظم بریتانیا در کنفرانس گلاسکو گفت: "یک دقیقه به نیمه شب باقی نمانده" و رئیس مؤسسه ملل متحد خاطر نشان کرد که: "اگر ما در این کارزار شکست بخوریم، این پایان ماست، بدین معنی که یا ما تغییرات اقلیمی را به پایان می‌رسانیم و یا اینکه تغییرات اقلیمی کار ما را به پایان خواهد رساند. دیوید اتنبروی یک مستند ساز تغییرات اقلیمی گفت: "جهان قبل از انقلاب صنعتی چه نظم خوبی داشت و ما چطور توانستیم با فعالیتهای اقتصادی و افزایش گازهای گلخانه‌ای این نظم را برهم زنیم." قرار گزارشات سازمان بین‌المللی انرژی، اقتصاد جهان سالانه در حدود 35 میلیارد تن گازهای گلخانه‌ای تولید می‌کند. هدف کنفرانس بین‌المللی آنست که حجم این مقدار گازهای گلخانه‌ای تا سال 2050 به صفر برسد و در نهایت، درجه متوسط حرارت اتموسفیر زمین زیر 1,5 درجه سانتی‌گرید بماند. ولی برخلاف آنچه دولتها قول داده اند تا سال 2050 حدود 20 میلیارد تن گازهای گلخانه‌ای در اتموسفیر زمین باقی خواهد ماند و حد اوسط افزایش گرمی هوای زمین 2 درجه سانتی‌گرید خواهد بود.

2- "خنثی سازی کاربن دای اکساید تا سال 2050 در اروپا":

رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا به تاریخ 11 دسامبر 2019 طرحی را به نام "معامله سبز" (Green Deal) ارائه کرد که در آن راههای کاهش گازهای گلخانه‌ای طی سی سال آینده بیان گردیده بود. رؤسای جمهور 27 کشور اتحادیه اروپا به تاریخ 12 دسامبر 2019 طی ملاقاتی در شهر بروکسل این طرح (CO₂-Neutrality 2050) را تصویب کردند. بنیاد این طرح چنان است که تا سال 2050 مقدار افزایشات گازهای گلخانه‌ای که در اروپا تولید می‌شوند، به اندازه‌ای کاهش یابد که توسط نباتات در عملیه فوتوسنتیز جذب می‌گردند. یعنی اینکه تولید کاربن دای اکسایدی که از سوخت زغال سنگ، نفت و گاز افزایش می‌گردد، در مطابقت با مصرف آن توسط نباتات، قرار داشته باشد که در نتیجه در این معادله کاربن دای اکساید خنثی می‌گردد. اگر مقدار کاربن دای اکساید تولید شده بیشتر از آن باشد که توسط نباتات جذب می‌گردد، در این صورت کشورهای اروپایی مجبورند که این مقدار اضافی را در جای مناسبی مثلاً در عمق زمین ذخیره کنند تا در اتموسفیر زمین داخل نگردد.

در حالی که آلمان پیشقراول این طرح است، کشورهای اروپای شرقی، مخصوصاً پولند، هنگری و جمهوری چک در مخالفت با آن قرار دارند، زیرا این کشورها مقدار عظیم انرژی را از سوخت زغال سنگ حاصل می‌کنند. لذا این کشورها از اتحادیه اروپا طالب مبالغه‌گزار پول شدند، زیرا با کاهش تولید انرژی، مخصوصاً از زغال سنگ، اقتصاد آنها صدمه می‌بیند. در نتیجه، اتحادیه اروپا برای کشورهای اروپای شرقی حدود 100 میلیارد دلار می‌پردازد تا خود را برای تطبیق طرح مذکور آماده کنند. علاوه بر این برای پولند وقت بیشتر داده شد تا خود را با این پلان، حتی بعد از سال 2050 عیار نماید. علاوه بر این کشورهای اروپای شرقی توانستند بالای اتحادیه اروپا بقبولانند که آنها اجازه دارند از انرژی اتومی به‌مثابه "انرژی سبز" یعنی انرژی‌ای که گویا برای محیط زیست آسیب نمی‌رساند، استفاده نمایند و این چیز است که به مذاق کشورهای اروپای غربی، مخصوصاً آلمان، برابر نبود و نیست.

3- علل کم‌نبری این کنفرانسها:

مبهرن است که در عقب این پرده‌های دلفریب سیاسی مانند کنفرانسهای کیوتو، برلین، کوپنهاگن، پاریس، مادرید و اینک گلاسکو و غیره که در صحنه تمثیل جهانی نمایش داده می‌شوند، کمپنی‌های بزرگ نفتی، مالکان صنایع ثقیل، صنایع سلاح سازی، تولید انرژی، موتر سازی، بانک‌ها و غیره قرار دارند که جلو دولتهای مقتدر جهان را به دست دارند. لذا از همه اولتر، این رهبران پنج کشور مهم صنعتی جهان اند که سرنوشت چنین کنفرانسها را رقم می‌زنند و فقط در پی منافع آنی خود اند و بشریت برای آنها ارزشی ندارد. ازینرو کشورهای بزرگ صنعتی به هیچ وجه حاضر نیستند که مصارف نفت و گاز و زغال سنگ کم شود و حرارت اتموسفیر زمین متعادل گردد و زندگی بشریت از عفریت تغییرات اقلیمی نجات یابد. به این ترتیب در کنفرانس مادرید که میلیونها انسان که خوشبوارانه به آن چشم امید دوخته بودند، نا امید گردیدند. زیرا پنج کشور زورآور جهان که در رأس آن اضلاع متحده آمریکا قرار دارد، به جای آنکه تعهد می‌سپاریدند که افزایشات گازهای گلخانه‌ای خود را

کاهش می دهند، در مقابل کشور های فقیر مقاومت نموده و بر روی جنایات عظیمی که در حق بشریت انجام می دهند، ایستادگی می کنند. کشور های صنعتی با پیشکش رشوه دهها میلیارد دالری به کشور های فقیر، یک بار دگر فتنه و شیطننت خود را هویدا ساخته با بشریت و طبیعت چنین غیر مسؤولانه بازی کردند. و این در حالیست که خسارات ناشی از گرمی اتموسفر زمین در کشور های فقیر سر به هزاران میلیارد دالر می زند و زندگی میلیونها انسان مورد تهدید قرار گرفته. به این ترتیب دیده می شود که حیات انسان و حیوان و نبات و در مجموع نجات طبیعت با همه زیبایی هایش، نزد صاحبان سرمایه به پیشیزی ارزش نداشته و کفاره گناهان جنایت گستر سرمایه را باید کشور های فقیر و انسانهای گرسنه و پا برهنه پردازند. واقعیت دیگری که در چنین کنفرانسها خودنمایی می کند، برخورد فاشیستی دولتها نیست که چنین کنفرانسها در آن کشور ها دایر می گردد. سردمداران این کشور ها که در ظاهر طبل دیموکراسی و انسان خواهی می نوازند، در حقیقت چون گرگ درنده عمل کرده و در جریان چنین کنفرانسها با فشار و اختناق و با چوب و چماق و طمطراق زیاد با مظاهره کنندگان بر خورد می کنند. واقعیت سوم که بار دگر در کنفرانس مادرید و اینک در کنفرانس گلاسکو تجلی یافت، جعل دیموکراسی و تمثیل دروغین اراده مردم است که سردمداران کشور های صنعتی بر اثر تبلیغ آن گوش فلک را کر کرده اند. زیرا اکثریت مردمان کشور های صنعتی طرفدار جدی کاهش گاز های گلخانه ئی بودند و استند. مظاهرات گسترده ای را که باشندگان اروپا و قاره آمریکا تحت شعار "مظاهرات روز های جمعه برای آینده" (Fridays for Future) در سراسر کشور های صنعتی راه اندازی کردند، برهان این واقعیت است. لکن صاحبان سرمایه همان طوری که فریاد باشندگان کشورهای فقیر را نمی خواهند بشنوند، به خواست مردمان کشورهای خود نیز وقعی نمی گذارند. بنابراین از کنفرانس گلاسکو نیز امید ثمری نیست که نیست.

4 - عواقب ازدیاد حرارت اتموسفر زمین:

چنانکه تذکر یافت، ازدیاد افرازاات گازهای گلخانه ئی باعث بلند رفتن حرارت اتموسفر زمین می گردد که بر اثر آن اوضاع جوی به سرعت تغییر کرده باعث ذوب شدن یخهای قطبین و یخچالها و برفهای مناطق مرتفع می شود. به گونه مثال کوهستانهای بلند مانند هیمالیا در آسیا و اندیز در امریکای جنوبی از یخ و برف تا اندازه زیاد تهی گردیده اند. در نتیجه ذوب یخچالها و برفهای دائمی از یک طرف اشعه وارده از خورشید که بعد از اصابت به کتله های یخ و برف دوباره به فضاء منعکس می شد، اینک در سطح زمین که از یخ برهنه شده، جذب گردیده و در نتیجه حرارت اتموسفر زمین هنوز بیشتر می گردد. از جانب دگر مقدار معتناهی از گازهای کاربن دای اوکساید و میتان که در زیر این کتله های بزرگ یخ پنهان می باشند، آزاد گردیده، همچنان باعث ازدیاد درجه حرارت اتموسفر زمین می شوند. در گام بعدی سطح آب اوقیانوسها بلند می شود که بر اثر این صعود سطح آب، کشور های فرو افتاده مانند ملدیف، بنگلادیش، هالند و غیره با تهدیدات جدی مواجه می گردند. کشور های صنعتی از قبل تدابیری را اتخاذ کرده اند، مثلاً هالند در نواحی فرو افتاده در مجاورت بحیره شمال سد های بزرگ و عریضی را آباد کرده که در صورت بالا رفتن سطح آب بحر جلو پیشروی آنها به جانب خشکه بگیرد. در حالیکه کشور های فقیر چنین توانائیهای مادی و تخنیکی را نداشته و همین اکنون با این مصیبت بزرگ دست و گریبان اند. مثلاً در بنگلادیش شالیزار های وسیعی طعمه آبخیزی گردیده و گرسنگی را دامن می زند. در جزایر ملدیف بخش قابل ملاحظه ای از اراضی زراعتی همین حالا زیر آب گردیده و زارعان با مشکلات مواجه شده اند. با ازدیاد درجه متوسط حرارت، حتی تا 2 درجه سانتی گرید که همین حالا اتفاق افتیده، صد ها میلیون انسان در جهان منجمله در افریقا، آسیا، خاصاً در افغانستان و امریکای لاتین به منجلاب گرسنگی می افتند، چنانکه همین اکنون افتیده اند. علاوه بر این دهها میلیون انسان دیگر بیجا می گردند، زیرا بر اثر کمبود آب و غذا این انسانهای مظلوم چاره ای ندارند جز اینکه هجرت کنند و به اصطلاح از چکک بگریزند و بر زیر ناوه بنشینند.

با ازدیاد درجه حرارت تا 3 درجه سانتی گرید کوههای همالیا که کمتر از نیمی از بشریت را آب نوشیدنی و آب به منظور زراعت می دهد، از منابع آب تهی گردیده و حیات جم عظیمی از انسانها را با خطر جدی مواجه می سازد. همچنین سلسله های اندیز در امریکای جنوبی و کوهستان کلیمنچارو در افریقا که از چنین اهمیتی برخوردار اند، نیز خسران می بینند. به همین ترتیب آب رودخانه های دجله و فرات که همین اکنون 40 در صد کاهش یافته و باعث رکود در حاصلات برنج و گندم شده، مشکلات جدی مواد خوراکی را در کشور های ترکیه، سوریه و عراق موجب می گردد.

گذشته از این، هجوم توفانهای بحری و امواج توفنده گرمی و تغییرات بزرگ جوی با بارانهای شدید و سیلابهای مدهش و خشک سالیهای متواتر نیز زائیده همین افزایش گازهای گلخانه‌ای می‌باشند که مجموع جهان و بشریت را تهدید می‌کنند. آبخیزهای وحشتناک سالهای 2005 و 2021 در آلمان و توفان بزرگ کاترینا در اضلاع متحده آمریکا، فریدریکی در فرانسه در سال 2018 و توفانهای مدحشی که در آفریقا و آسیا به وقوع پیوستند، حیات انسانها و حیوانات را تهدید کرده و صد ها میلیارد دالر خساره وارد نمودند، مثالهایی از این خطرات اند. در سائر کشورها مانند ممالک حوزه جنوب شرق آسیا و امریکای جنوبی مردم پیوسته با آبخیزهای مدهش، لغزش زمین و مصیبتهای مشابهی دست و گریبان اند. علاوه بر این نسلهای متعدد حیوانات و نباتات بر اثر تغییرات اقلیم منقرض شده اند.

همچنان خشک سالیهای پیهم در آفریقا و آسیا، منجمله در افغانستان، ایران، پاکستان، چین و آسیای میانه باعث خشک شدن منابع آب، کمبود آب نوشیدنی و رکود در زراعت، کمبود مواد غذایی و فقر گسترده گردیده. به همین ترتیب توفانهای ریگ و خاک و افزایش و توسعه صحرا نیز قابل یادآوری اند، چنانکه در سال 2009 در نواحی شرقی استرالیا از آسمان خاک و ریگ می‌بارید. صحراهای استرالیا، شمال آفریقا مانند مصر، لیبیا، مراکش، سودان، چاد، نایجریا و آسیای میانه مثل دشتهای ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان همچنین صحراهای تکه تکه مکان در چین، گوی در منگولیا، راجستان در هند، بلوچستان در پاکستان و ایران و دشتهای لیلی، دشت آبدان میر علم، تندنک، بکوا، جهنم، مارگو، ریگستان و غیره در افغانستان به شدت توسعه یافته اند. به همین ترتیب جنگل سوزیهای گسترده، مثلاً در سال 2019 در استرالیا و در سالهای 2020 و 2021 در اضلاع متحده آمریکا، فدراسیون روسیه و بعضی کشورهای دیگر که میلیونها هکتار جنگل طعمه حریق گردید، باعث گستردگی دشتهای می‌گردد.

به همین ترتیب آلوده شدن آبهای رویزمینی و زیرزمینی و کاهش در تولیدات زراعتی مخصوصاً مواد خوراکی که خود صد ها مصیبت دگر مانند مهاجرتهای ناچاری، شیوع امراض و غیره را در قبال دارد، دامنگیر کشورهای فقیر شده. و این هنوز آغاز این مصائب است و اگر اقدامی صورت نگیرد، مجموع بشریت در انتظار آفتهای دگر خواهد بود. از جانب دگر اگر همین اکنون اقدامی مثبت هم صورت بگیرد، سالها وقت بکار است تا نتیجه آن ملموس گردد. زیرا تلخکامیهای حاضر نتیجه غفلت یک قرن گذشته بشر، مخصوصاً کشورهای صنعتی است که به آسانی و زودی قابل علاج نیستند، مگر اینکه خلقهای جهان بخاطر آزادی خود و صیانت از طبیعت به پا خیزند و بر سلطه ویرانگران طبیعت پایان بخشند. خوانندگان ارجمندی که به مسایل تغییرات اقلیم و عواقب فاجعه بار آن بر افغانستان علاقه داشته باشند، می‌توانند به لینک ذیل در پورتال افغان - جرمن آنلاین ازین قلم مراجعه نمایند.

<https://lmy.de/O3wh1>

5 - منابع

- [1] https://de.wikipedia.org/wiki/Liste_der_gr%C3%B6%C3%9Ften_Kohlenstoffdioxidemittenten (20.12.2019)
- [2] <https://www.iwd.de/artikel/klimapolitik-die-co2-welt-366033/> (20.12.2019)

پایان